

## شخصیت رجالی «سهل بن زیاد» در اندیشه آیه الله ری شهری

مهدی اخلاصی فرداد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

## چکیده

سهل بن زیاد آدمی از راویانی است که با سعی و تلاش سهم عظیمی را در تراث شیعی به خود اختصاص داده است. بر همین اساس، اعتبارسنجی شخصیت رجالی وی از جایگاه رفیعی برخوردار است؛ چرا که با توثیق وی حجم انبوهی از روایات اعتبار یافته و می‌تواند در عرصه اجتهاد مورد استناد قرار گیرد. نگاهی به آرای اندیشمندان علوم اسلامی نشان از اختلاف نظرهایی در مواجهه با سهل بن زیاد دارد؛ به گونه‌ای که برخی وی را توثیق و برخی نیز تضعیف کرده‌اند. عده‌ای نیز تنها روایات او را پذیرفته‌اند، بدون آن‌که موضع روشنی در قبال وثاقتش اتخاذ نمایند. در این میان، آیه الله ری شهری از اندیشمندانی است که کوشیده است تا با اثبات وثاقت این روای پرروایت، قدمی در اعتلای منابع دینی بردارد. نتایج این نوشتار، که با روش توصیفی - اسنادی سامان یافته، نشان می‌دهد که از نظرگاه آیه الله ری شهری تضعیفاتی که متوجه سهل بن زیاد است، بیشتر اجتهادی بوده و جایگاهی ندارد و با توجه به قرائن فراوانی همچون توثیق شیخ طوسی، اعتماد اصحاب بر روایات سهل، کثرت نقل روایت، وقوع در اسناد روایات کتاب تفسیر القمی و کتاب کامل الزیارات می‌توان وی را مورد اعتماد دانست و بر روایت‌هایش تکیه نمود.

کلیدواژه‌ها: سهل بن زیاد، ثقه، غلو، اجتهادی بودن تضعیفات، آیه الله ری شهری.

## ۱. مقدمه

علم رجال یا دانش شناختِ راویان احادیث از علومی است که رسالت احراز «صدور

۱. طلبه سطح سه حوزه علمیه قم و دانش‌آموخته مرکز تخصصی فقیه ائمه اطهار (ع) (ekhlasi.m97@gmail.com).

روایات از معصوم علیه السلام را برعهده دارد. در این میان، از جمله روایانی که نقل حجم انبوهی از روایات را در گستره وسیعی از علوم انسانی - اسلامی به خود اختصاص داده است، «سهل بن زیاد» است. وجود چنین حجم انبوهی از روایات و تأثیر آن در اثبات آموزه‌های دینی، اندیشمندان اسلامی را بر آن داشته است تا اعتبار رجالی شخصیت وی را مورد مطالعه قرار دهند؛ چرا که با توثیق او روایات یاد شده در عرصه اجتهاد، قابلیت استناد را پیدا کرده و از سوی فقیه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند؛ ولی اگر توثیق او تحقق نیافت و قول به ضعف او تقویت گردید، گستره اجتهاد از روایات ضعیف و غیر قابل اعتماد پیراسته می‌گردد. بنابراین، توثیق یا عدم توثیق سهل بن زیاد از اهمیتی دوچندان برخوردار است. از این رو، شاهد شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوتی در مواجهه با سهل بن زیاد هستیم؛ به گونه‌ای که برخی او را ضعیف و برخی دیگر وی را موثق دانسته‌اند، برخی هم از راه شواهد و قرائن روایات او را پذیرفته‌اند، بدون این که موضع روشنی در قبال وثاقت یا ضعف وی داشته باشند. در این میان، آیه الله ری شهری از فقیهانی است که با ملاحظه مبانی علم رجال، سعی وافری در تثبیت وثاقت این راوی مهم مبذول داشته است.

نسبت به پیشینه این بحث نیز تلاش‌های فراوانی صورت پذیرفته است و نوشته‌های مستقلی نیز بدین امر اختصاص یافته است؛ به طور مثال آقای سید علی رضا حسینی در مقاله «جستاری در آموزه‌های امامتی سه تن از راویان متهم به غلو و نشانه‌های باورپذیری آن‌ها» تلاش کرده است تا با بازخوانی بخشی از میراث امامتی سهل بن زیاد و تطبیق آن‌ها با دیگر احادیث هم‌مضمون و روایت شده از سوی راویان ثقه، همسویی این دو مجموعه و بالتبع، باورپذیر بودن روایات سهل را نشان دهد.

مقاله «نگاهی تحلیلی به رفتار احمد بن عیسی در تبعید برخی از راویان» به قلم آقای محسن کرمی نیز نشان می‌دهد که احتمال اخراج اشخاصی همچون سهل بن زیاد به دلیل غلو یا نقل از ضعف‌ها به قوتی که در برخی از منابع رجالی مطرح شده، نیست. شاید مجموعه‌ای از انگیزه‌های سیاسی و تبلیغی زمینه‌ساز اخراج ظاهری این راویان بوده باشد. با تمامی این اوصاف و سپاس از تلاش‌های تحقق یافته، نگاهی جامع و برآمده از نگرش اجتهادی و تمرکز بر اندیشه آیه الله ری شهری از ویژگی‌های اثر حاضر است. بدین منظور در نوشتار پیش رو، اقوال و مستندات قائلین به عدم وثاقت و ارزیابی آن‌ها از منظر آیه الله ری شهری تبیین شده و سپس در ادامه به بیان مستندات وثاقت سهل بن زیاد از ره‌آورد آرای

این فقیه اهل بیت علیهم السلام می پردازیم.

## ۲. دیدگاه اول. عدم وثاقت سهل بن زیاد

به باور عده ای از رجالیان و فقیهان امامیه سهل بن زیاد توثیق نداشته و نمی توان بر روایات وی اعتماد نمود. ابن شهر آشوب،<sup>۱</sup> مرحوم شوشتری در قاموس الرجال،<sup>۲</sup> آیه الله خویی،<sup>۳</sup> آیه الله تبریزی<sup>۴</sup> و آیه الله سید تقی طباطبایی قمی<sup>۵</sup> از جمله کسانی هستند که در استدلال های خویش، سهل را ضعیف معرفی کرده و به روایات وی بی توجه هستند.

### ۱-۲. مستندات عدم وثاقت سهل بن زیاد

قائلین به عدم وثاقت سهل بن زیاد به مستندات متعددی تمسک کرده اند که در ادامه به بیان و بررسی آن ها می پردازیم.

#### ۱-۱-۲. تضعیف صاحبان کتب رجالی

##### ۱-۱-۲-۱. تضعیف نجاشی

گزارش نجاشی از رجالیان بزرگ در ترجمه سهل بن زیاد چنین است:

سهل بن زیاد أبو سعید الأدمی الرازی کان ضعيفاً فی الحدیث، غیر معتمد فیه و کان أحمد بن محمد بن عیسی یشهد علیه بالغلو و الکذب و أخرجه من قم إلى الری و کان یسکنها؛<sup>۶</sup>

سهل بن زیاد در روایت ضعیف بوده و مورد اعتماد نیست. احمد بن محمد بن عیسی به غلو و دروغ گویی او شهادت داده و او را از قم به سوی ری اخراج کرد و سهل در همان جا ساکن شد.

از منظر دانش علم رجال، گزارش نجاشی حاوی تضعیفات متعددی است که می توان آن ها را در دو محور اساسی جای داد:

۱. معالم العلماء، ص ۵۷، شماره ۳۸۳.

۲. قاموس الرجال، ج ۵، ص ۳۶۰.

۳. التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۱.

۴. تنقیح مبانی الأحکام - کتاب القصاص، ص ۳۱۲.

۵. مبانی منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۴۷۲؛ ج ۴، ص ۹۷.

۶. رجال النجاشی، ص ۱۸۵.

محور اول، شهادت احمد بن محمد بن عیسی بر غلو و دروغ‌گویی و در پایان، اخراج او از قم است. شایان ذکر است که احمد بن محمد از بزرگان اهل قم، استاد، رئیس و فقیه بدون رقیب بوده<sup>۱</sup> و با حاکمان قم رفت و آمد داشته است.<sup>۲</sup>

ایشان در نزد اهل سنت نیز شناخته شده و از جایگاه رفیعی برخوردار است؛ به طوری که ابن حجر عسقلانی از او نام برده و وی را علامه و استاد شیعیان قم (شیخ الرافضة بقم) و فردی مشهور توصیف کرده است.<sup>۳</sup> بنابراین، وی در وجاهت و وثاقت از جایگاه بالایی برخوردار است<sup>۴</sup> و در تأثیرگذار بودن نظرات چنین شخصی جای تردید نیست.

محور دوم، عبارت‌های «کان ضعیفاً فی الحدیث» و «غیر معتمد فیه» است که از نگاه بسیاری، چنین تعبیری از سوی نجاشی بر عدم وثاقت سهل بن زیاد دلالت دارد؛ همان گونه که آیه الله خویی در تبیین دیدگاه خویش، از این عبارت، تضعیف را برداشت نموده است.<sup>۵</sup>

#### نقد و بررسی

با نگرشی بر تحلیل‌های آیه الله ری شهری می‌توان دریافت که از نگاه ایشان تضعیفات به کار رفته در گزارش مرحوم نجاشی قابل مناقشه‌اند و نمی‌توان بر پایه آن‌ها بر عدم وثاقت سهل بن زیاد استدلال کرد. در ادامه به بیان دیدگاه ایشان در مواجهه با گزارش مرحوم نجاشی می‌پردازیم:

#### ۱. اجتهادی بودن رفتار احمد بن محمد بن عیسی

از نکاتی که در گزارش مرحوم نجاشی آمده است، اخراج سهل بن زیاد توسط احمد بن محمد بن عیسی از قم بود. آیه الله ری شهری بر این عقیده است که رفتارشناسی احمد بن محمد بن عیسی در موارد مشابه، حجیت صدور چنین افعالی را با ابهام و تردید مواجه می‌سازد.<sup>۶</sup> شواهدی که آیه الله ری شهری در اثبات مدعای خود اقامه می‌نماید، بدین شرح است: احمد بن محمد بن عیسی فردی به نام «احمد بن محمد بن خالد برقی» را از قم بیرون

۱. فهرست النجاشی، ص ۲۵.

۲. رک: رجال النجاشی، ص ۸۲.

۳. لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۰، شماره ۸۰۷.

۴. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۳۸.

۵. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، ج ۹، ص ۳۵۶.

۶. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۳۸.

کرد و پس از چندی به لغزش خود پی برد و پشیمان گردید. ابن غضائری در گزارش خویش می‌نگارد:

وكان أحمد بن محمد بن عيسى أبعدته عن قم، ثم أعاده إليها واعتذر إليه.<sup>۱</sup>

عملکرد وی با یونس نیز نمونه دیگری از رفتار مبهم وی است. مرحوم کشی در نقلی می‌گوید:

فضل بن شاذان به ما گفت احمد بن محمد بن عيسى از رفتاری که با یونس انجام داد، توبه و استغفار کرد و آن هم به خاطر رؤیایی بود که در خواب دید...<sup>۲</sup>

از دیگر شواهدی که نشان می‌دهد «احمد بن محمد بن عيسى» در اخراج برخی از افراد اشتباه کرده، گفته نجاشی درباره «علی بن محمد بن شيرة القاساني» است. نجاشی در ترجمه او می‌نویسد:

فقیهی فاضل بود که زیاد حدیث نقل می‌کرد. احمد بن محمد بن عيسى بروی خرده گرفت و گفت که از او آرای منکری را شنیده است؛ در حالی که در کتاب‌های وی چیزی که بر چنین انحرافی دلالت کند، وجود ندارد.<sup>۳</sup>

این که نجاشی سخن «احمد بن محمد» را رد کرده، نشان می‌دهد که خرده‌گیری‌های وی درباره افراد مبنای چندان دقیقی نداشته است.<sup>۴</sup> بنابراین، تا این جا می‌توان گفت که سرگذشت احمد بن محمد بن عيسى روشن و معلوم نیست و عملکرد وی با ابهام و تردید مواجهه است.

آیه الله ری شهری برداشت محدثان و فقیهان را نیز شاهی بردستی مدعای خود می‌داند؛ به طور نمونه: محمد تقی مجلسی در کتاب روضة المتقین می‌نویسد:

بدان که احمد بن محمد بن عيسى شماری را به خاطر روایت کردن از راویان ضعیف و نقل احادیث مرسل در کتاب‌هایشان از قم بیرون کرد، ولی این کار اجتهادی از سوی وی بوده و ظاهراً او در این عمل خطا کرده است، ولی به هر روی او رئیس قم بوده است و مردم همراه با مشهورین هستند، مگر کسی که خداوند وی را

۱. رجال ابن الغضائری - کتاب الضعفاء، ص ۳۹.

۲. رجال الکشی، ص ۲۸۷، شماره ۴۹۶.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۵۵.

۴. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۳۸.

حفظ کند. اگر آنچه را که کلینی در *الکافی* در باب نص بر امام هادی علیه السلام درباره احمد بن محمد بن عیسی و انکار نص از سوی او به خاطر تعصب جاهلیت نقل کرده است بنگرید، هرگز چیزی را از وی نقل نخواهید کرد، ولی او توبه کرد و ما امیدواریم که خداوند توبه او را بپذیرد.<sup>۱</sup>

علامه سید مهدی بحر العلوم نیز در *الفوائد الرجالية* می نویسد:

ریشه تضعیف سهل، همان طور که از کلام آقایان به دست می آید، [اقدام] احمد بن محمد بن عیسی *الاشعری* است؛ در حالی که برای کسی که به کتب رجال مراجعه کند، رویه اهل قم خصوصاً «احمد بن عیسی» در عجله برای طعن و قدح و اخراج افراد از قم براساس اتهام و بدگمانی، روشن خواهد بود.<sup>۲</sup>

در نهایت، براساس شواهدی که در بیان شد، این نتیجه به دست می آید که احمد بن عیسی با وجود وثاقت و بزرگی، گاهی درباره راویان براساس اجتهاد و برداشت های شخصی رفتار می کرده است، بدون آن که مبانی محکمی نیز در این باره داشته باشد و با توجه به جایگاه و نفوذش در قم، کسی جرأت مخالفت با او را نداشته است.<sup>۳</sup>

## ۲. مخدوش بودن شهادت بر کذب و غلو

از منظر آیه الله ری شهری شهادت احمد بن محمد بن عیسی بر کذب و غلو براساس یک عمل اجتهادی و برپایه سطح نگرش و بینش خودش نسبت به اهل بیت علیهم السلام شکل گرفته و فاقد حجیت است. از نگاه فقیه ما، ملاک احمد بن محمد بن عیسی برای این که یک راوی را به غلومتهم کند و به تبع آن اقدام به اخراج وی کند، ملاک سخت گیرانه ای بوده است و با غلوئی که موجب تضعیف شخص می شود، فاصله داشته است.<sup>۴</sup>

گزارشی که مرحوم کشی از فضای آن دوران ارائه می دهد، راهگشای میزان اعتبار بسیاری از تضعیفات است. وی می نگارد:

إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عُبَيْدِ اللَّهِ الْقَيْمِيَّ أَخْرَجَ مِنْ قُمَّ فِي وَقْتٍ كَانُوا يُخْرِجُونَ مِنْهَا مَنْ اتَّهَمُوهُ بِالْغُلُوِّ.<sup>۵</sup>

از نگاه برخی از نویسندگان، بسیاری از پیشینیان و اهل قم براساس بینش تقصیرآمیز

۱. روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۴، ص ۲۶۱.

۲. الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۴.

۳. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۳۸.

۴. همان، جلسه ۴۳۹.

۵. رجال الکشی، ص ۵۱۲.

خود، برخی از راویان را متهم به غلو می کردند، به گونه ای که گویا یک حالت آشوب و بلوایی در بین اهل حدیث شکل گرفته بود و هر کسی را به صرف اتهام مورد سرزنش و نکوهش قرار می دادند. تعبیر جناب کشی نیز گواه این سخن است.<sup>۱</sup> بر همین اساس، آیه الله ری شهری در دفع شبهه غلو از سهل می گوید:

غلو، در لغت به معنای «فرا ترا از حدّ و اندازه رفتن» و «باور داشتن به صفات بی حد و مرز درباره کسی یا چیزی» است.<sup>۲</sup>

بالاترین مرتبه غلو، غلو اعتقادی است؛ یعنی کسی را در حدّ خدا تصور کردن است. چنانچه در قرآن اهل کتاب را از غلو در دین نهی فرموده است:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ﴾.<sup>۳</sup>

چرا که یهود و نصارا درباره برخی از پیامبران غلو کرده و آن ها را فرزند خدا<sup>۴</sup> و یا خود خدا<sup>۵</sup> معرفی می کردند. در تاریخ اسلام نیز برخی از غالیان، قائل به الوهیت ائمه علیهم السلام بودند. آنان از انجام تکالیف دینی سرپیچی می کردند. این گروه کافرو نجس هستند و ائمه علیهم السلام نیز با آنان به جدّ مبارزه می کردند. اما گروهی دیگر کسانی بودند که چنین اعتقادی درباره ائمه علیهم السلام نداشتند، بلکه ایشان را افرادی با ویژگی های خاص و ماورائی می دانستند؛ آن ها را صاحب کرامات و باخبر از علم غیب خبر می دانستند. طبق قرائن موجود، «سهل بن زیاد» نیز چنین اعتقاداتی داشته است؛ ولی چون از منظر اهل قم در آن زمان کسانی که چنین اعتقادی داشتند، غالی به شمار می آمدند، او را از قم اخراج کردند؛ زیرا آن ها معصومان را افراد معمولی می دانستند که از خطا بری هستند و باید از آن ها اطاعت کنیم.<sup>۶</sup>

از جمله قرائنی که نشان می دهد که «سهل» جزء دسته اول نبوده است، صاحب کتاب توحید بودن است که نجاشی در مورد وی گزارش کرده است:

له کتاب التوحید.<sup>۷</sup>

۱. سهل بن زیاد، ص ۱۱۶.

۲. لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۳۳؛ ال مفردات، ص ۶۱۳.

۳. سوره نساء، آیه ۱۷۱.

۴. سوره توبه، آیه ۳۰.

۵. سوره مائده، آیه ۱۷.

۶. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۳۹.

۷. رجال النجاشی، ص ۱۸۵.

حال چه طور ممکن است کسی را که چنین کتابی دارد، متصف به غلو به معنای اول باشد.<sup>۱</sup> از دیگر شواهدی که غالی بودن سهل را مستبعد می سازد، کلامی که مرحوم محدث نوری در خاتمة المستدرک بیان داشته است:

احمد بن عیسی «امام حسن عسکری علیه السلام را درک نکرده است. بنابراین، آنچه را درباره «سهل» انجام داده و درباره او گفته است، باید قبل از زمان امام عسکری علیه السلام باشد. از طرفی چنان که در رجال النجاشی آمده است، «سهل» با امام عسکری علیه السلام مکاتبه داشته است.<sup>۲</sup> پس چگونه می شود امام علیه السلام به کسی که غالی است و کذبش در حدی است که موجب تبعید و طرد او شده است، اعتنا کند و با خط مبارکش جواب سؤالات او را بدهد؟ از این رو، باید کار «احمد» را نادیده بگیریم. اگر هم بزرگی او را ملاحظه کنیم، باید بگوییم: در مورد «سهل» خطایی بوده و تمام شده است. مستندات محدث نوری برای اثبات این که، اتهام «احمد» به «سهل» قبل از زمان امام عسکری علیه السلام و در زمان امام هادی علیه السلام بوده، بدین شرح است: اولاً، «سهل» از «عبدالعظیم الحسنی» روایت کرده است؛

ثانیاً، به گفته نجاشی، «عبدالعظیم» به صورت مخفیانه در ری زندگی می کرده و در زمان حضور وی در آن جا شیعیان با او ارتباط داشته اند و در همان جا نیز از دنیا رفته و مدفون شده است و زمان وفات او هم در عصر امام هادی علیه السلام بوده است؛ ثالثاً، طبق روایت صحیح السندی که در ثواب الأعمال نقل شده، برخی از اهل ری با امام هادی علیه السلام پس از وفات «عبدالعظیم» ارتباط داشته اند.

از مجموع این قرائن استفاده می شود که «سهل» از جمله کسانی بوده که در زمان امام هادی علیه السلام در ری با «عبدالعظیم حسنی» ملاقات داشته است. پس اخراج او از قم و سکونتش در ری در زمان امام هادی علیه السلام و قبل از زمان امام عسکری علیه السلام بوده است.<sup>۳</sup>

نکته دیگری که غالی بودن سهل را با مناقشه جدی مواجه می سازد، آن است که این راوی در دوران سه امام معصوم علیهم السلام می زیسته است<sup>۴</sup> و حتی برپایه بعضی از اقوال، دوره غیبت را هم درک کرده است، ولی با این وجود، هیچ گونه نکوهش، لعن یا برائتی از سوی معصومان علیهم السلام درباره او نرسیده است. این در حالی است که او صاحب کتاب و نامدار بوده و استاد جماعتی از راویان و

۱. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۳۹.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۸۵.

۳. خاتمة المستدرک، ج ۵، ص ۲۳۰.

۴. رجال الکشی، ص ۵۶۶.

بزرگان به شمار می‌رفته است. پس با توجه به این که حضرات معصومان علیهم‌السلام نسبت به غلات نامدار و آن‌هایی که گفتارشان در جامعه اثر داشت، بسیار حساس بوده و با بی‌زاری جستن و لعن آن‌ها شیعیان را از گزندشان حفظ می‌کردند، ولی نسبت به سهل چنین نکرده‌اند، می‌توان دریافت که نسبت دادن دروغ‌گویی و غلوبه سهل کار درستی نیست و از جهتی پیشی گرفتن بر معصوم علیه‌السلام است.<sup>۱</sup> علامه بحر العلوم در این باره می‌نویسد:

.... اگر سهل بن زیاد آن چنان که ایشان می‌گویند، ضعیف و اهل غلو و دروغ بود، از ائمه علیهم‌السلام نکوهش و سرزنشی درباره وی می‌رسید و از گرفتن روایت او نهی و به بازگشت از او امر می‌شد، چنان‌که درباره سایر مشهورین به ضعف چنین روایاتی رسیده است.<sup>۲</sup>

۳. ناظر نبودن عبارت «کان ضعیفاً فی الحدیث، غیر معتمد فیه» بر تضعیف خود راوی از نگاه آیه‌الله ری شهری منشأ تضعیف نجاشی همان سخن «احمد بن محمد بن عیسی» و اخراج او از قم است که اقدامی اجتهادی و براساس نظر شخصی بوده و قابل قبول نیست؛<sup>۳</sup> علاوه بر آن که طعن به کار رفته در کلام نجاشی تصریحی در مورد ضعف شخصیت سهل ندارد، بلکه این عبارت ناظر به احادیثی است که سهل به نقل آن‌ها پرداخته است. دلیل این مدعا نیز آن است که اصطلاح ضعف حدیث در تعابیر قدما به عدم وثاقت راوی معنا نشده است، بلکه مراد ضعف خود روایت است؛ بدین معنا که راوی و ناقل التزامی به نقل روایات صحیح و مورد اعتماد ندارد. چنین اصطلاحی نظیر آن است که گفته شود فلان راوی از ضعف نقل می‌کند و یا بر مجاهیل اعتماد دارد که به وثاقت شخص راوی لطمه‌ای نمی‌زند.<sup>۴</sup>

نکته‌ای که این دیدگاه بیان شده را تقویت می‌نماید، عبارت «غیر معتمد فیه» است؛ چرا که اگر مراد مرحوم نجاشی عدم اعتماد بر سهل بن زیاد و تضعیف شخصیت حکایت‌گری وی بود، باید عبارت «غیر معتمد علیه» را به کار می‌برد. بنابراین، عبارت «غیر معتمد فیه» ناظر به ضعف در روایت است که منشأ آن نیز نقل این راوی از ضعف است.<sup>۵</sup>

۱. سهل بن زیاد، ص ۱۴۴.

۲. الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۳-۲۴.

۳. درس خارج فقه آیه‌الله ری شهری، جلسه ۴۳۹.

۴. مصباح المنهاج: کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۴۷۴.

۵. الرسائل الرجالية، ص ۴۶۵.

## ۲-۱-۱-۲. تضعیف شیخ طوسی در الفهرست

از دیگر رجالیانی که به تضعیف سهل بن زیاد پرداخته‌اند، شیخ طوسی است. وی در کتاب الفهرست می‌نگارد:

سهل بن زیاد آدمی الرازی، أبوسعید، ضعیف.<sup>۱</sup>

ایشان در کتاب الاستبصار نیز همین رویکرد را در مواجهه با سهل بن زیاد اتخاذ کرده و می‌نویسد:

أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ وَهُوَ ضَعِيفٌ فَاسِدُ الْمَذْهَبِ لَا يُلْتَفَتُ إِلَى حَدِيثِهِ فِيمَا يَخْتَصُّ بِنَفْلِهِ.<sup>۲</sup>

و در جای دیگری از همین کتاب در ذیل روایتی، تعبیر تندتری را به کار برده است:

أَمَّا الْخَبَرُ الْأَوَّلُ فَرَأَوِيهِ أَبُو سَعِيدٍ الْأَدْمِيُّ وَهُوَ ضَعِيفٌ جِدًّا عِنْدَ نَقَادِ الْأَخْبَارِ.<sup>۳</sup>

واضح است که چنین تعبیری بر عدم وثاقت سهل بن زیاد دلالت دارد.

### نقد و بررسی

آیه الله ری شهری در مواجهه با تضعیف شیخ طوسی معتقد است که ظاهر عبارت شیخ نشان می‌دهد که ایشان در تضعیف «سهل» خیلی قاطع نیست، چرا که اولاً تنها به ذکر «ضعیف» اکتفا کرده؛ ثانیاً به اخراج یا غلو و اشاره‌ای نکرده است؛ ثالثاً در الاستبصار تضعیف او را به نقاد اخبار نسبت داده است. گویا خودش نسبت به آن جازم نیست. عبارت وی چنین است:

أَبُو سَعِيدٍ الْأَدْمِيُّ وَهُوَ ضَعِيفٌ جِدًّا عِنْدَ نَقَادِ الْأَخْبَارِ.<sup>۴</sup>

علاوه بر آن، ایشان در تهذیب الأحکام، حدود ۴۳۷ روایت از «سهل» نقل کرده است و در مواردی هم طبق همان روایت فتوا داده است؛<sup>۵</sup> در حالی که اگر او را ضعیف یا احياناً دروغ‌گو می‌دانست، نباید بر اساس روایتی که وی نقل می‌کند، فتوا دهد. جالب، آن‌که در آن‌ها به ضعف «سهل» اشاره هم نکرده است. از همه مهم‌تر این‌که، شیخ طوسی در رجالش از این

۱. الفهرست، ص ۸۰، رقم ۳۲۹.

۲. الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۳، ص ۲۸.

۳. همان، ج ۳، ص ۲۶۱.

۴. الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۳، ص ۲۶۱.

۵. تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۳۲۷.

نظر برگشته و «سهل» را توثیق کرده است.<sup>۱</sup> توضیح، آن که شیخ طوسی در کتاب الرجال یک بار سهل را از یاران امام جواد علیه السلام شمرده و می گوید:

سهل بن زیاد الآدمی، یکنی أبا سعید، من أهل الری.<sup>۲</sup>

بار دیگر او را از یاران امام هادی علیه السلام نام برده و می فرماید:

سهل بن زیاد الآدمی، یکنی أبا سعید، ثقة.<sup>۳</sup>

بنابراین، از نگاه شیخ طوسی در کتاب الرجال وی فردی ثقة به شمار می رود که با دیدگاه بیان شده در کتاب الفهرست تعارض دارد. اما با توجه به این نکته که کتاب الرجال پس از کتاب الفهرست به نگارش درآمده است،<sup>۴</sup> دیدگاه وثاقت نسبت به شیخ طوسی متعین می شود؛ چرا که بنای ایشان در الفهرست تنها ارائه راویان صاحب تألیف است، ولی مبنای ایشان در الرجال جرح و تعدیل راویان است.<sup>۵</sup>

#### ۲-۱-۱-۳. تضعیف این غضائری

ابن غضائری نیز از دیگر رجالیانی است که به تضعیف سهل بن زیاد پرداخته اند. وی در چند جای کتاب خویش از سهل یاد کرده و بر عدم وثاقت وی تأکید می نماید. گزارش های ایشان بدین شرح است:

در ترجمه ذریح محاربی می نویسد:

أبو سعید سهل بن زیاد الآدمی وهو ضعيف.<sup>۶</sup>

در جای دیگری می افزاید:

كان ضعيفاً جداً، فاسد الرواية والدين.<sup>۷</sup>

۱. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۴۰.

۲. رجال الطوسی، ص ۳۷۵.

۳. همان، ص ۳۸۷.

۴. شیخ طوسی در کتاب الرجال عباراتی دارد که نشان دهنده تقدم نگارشی کتاب الفهرست بر کتاب الرجال است، به طور مثال؛ در ترجمه أحمد بن محمد بن سلیمان آمده است: «له مصنفات ذكرناها في الفهرست» (رجال الطوسی - الأبواب، ص ۴۱۰) و نیز موارد متعدد دیگری که این عبارت در ترجمه آنها به کار برده است.

۵. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۴۰.

۶. رجال ابن الغضائری - کتاب الضعفاء، ص ۵۹.

۷. همان، ص ۶۶.

در پایان نیز بر مدعای خویش تأکید می‌نماید:  
 کان ضعیفاً فی الحدیث، غیر معتمد فیه.<sup>۱</sup>

#### نقد و بررسی

نسبت به کتاب ابن غضائری و نویسندگان دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. اشکالاتی که آیه الله ری شهری بر کتاب ابن غضائری بیان داشته‌اند به قرار ذیل است.

##### ۱. عدم اعتبار کتاب

از نگاه برخی از دانشمندان علم رجال اگرچه ابن غضائری از اجلا به شمار رفته و مورد اعتماد شیخ و نجاشی است، اما صحت کتابی که به وی منسوب است و حاوی توثیقات و تضعیفات است، ثابت نیست و نمی‌توان بر آن اعتماد کرد.<sup>۲</sup> آیه الله ری شهری نیز همین نگاه را مطرح ساخته است.<sup>۳</sup>

##### ۲. عدم اعتبار تضعیفات کتاب

از دیگر اشکالات آیه الله ری شهری به تضعیفات ابن غضائری، تسریع وی در طعن و اغراق در آن است. در اثبات دیدگاه ایشان می‌توان به گزارش برخی از اهل رجال اشاره کرد؛ به طور مثال، میرداماد در راسحه دهم از کتاب الرواشح، پس از طرح این بحث که شهادت رجالی باید بر پایه حس و یا نقل از کسی که شهادتش حسّی است، مبتنی باشد و نه بر اجتهاد، اقوال ابن غضائری را اجتهادی دانسته و می‌نویسد:

اما ابن غضائری با شتاب به جرح آشکار پرداخته و به تضعیف دور از حق روی می‌آورد.<sup>۴</sup>

در راسحه سی و پنجم می‌فرماید:

.... این در حالی است که ابن غضائری در بیشتر موارد با کوچک‌ترین دلیل در تضعیف افراد شتاب می‌کند.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۱۲۵.

۲. التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۱۱، ص ۲۸۳.

۳. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۳۹.

۴. الرواشح السماویه فی شرح الاحادیث الامامیه، ص ۱۰۰.

۵. همان، ص ۱۷۵.

از همین رو، این احتمال داده شده است که کتاب مذکور نگاشته‌ای نکوهشی بوده که توسط دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام تألیف شده و درصدد تخریب چهره یاران ایشان است. آقا بزرگ طهرانی در این زمینه چنین آورده است:

نسبت کتاب الضعفاء به ابن غضائری مشهور، از مشایخ شیخ الطائفه و شیخ نجاشی اجحافی بزرگ در حق اوست و او بلندمرتبه تر از آن است که دست به هتک استوانه‌های دین زند تا این که هیچ یک از مشهوران به پرهیزگاری و پاکدامنی و شایستگی از جرح او رهایی نیابد. پس ظاهراً مؤلف این کتاب از معاندان بزرگان شیعه بوده و قصد تهمت به آن‌ها را به هروجهی داشته است. بنابراین، این کتاب را گردآورده و در آن برای فریب دادن، برخی از سخنان ابن غضائری را درج کرده تا همه تهمت‌ها و زشتی‌هایی که قصد آوردن آن‌ها را داشته پذیرفته شود.

و در پایان می‌گوید:

کتاب مجهول المؤلف است. پس چگونه به جرح‌هایش اعتماد می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۳. دیدگاه دوم: وثاقت سهل بن زیاد

برخی از اندیشمندان اسلامی سهل بن زیاد را فردی ثقه و قابل اعتماد می‌دانند. سید بحر العلوم،<sup>۲</sup> سید علی طباطبایی،<sup>۳</sup> شیخ انصاری،<sup>۴</sup> امام خمینی<sup>۵</sup> و فقیه سبزواری<sup>۶</sup> از این قبیل فقیهان به شمار می‌روند. در این میان، آیه‌الله ری شهری نیز از فقیهانی است که بر وثاقت سهل بن زیاد باور داشته و بروایات وی اعتماد می‌کند.

#### ۳-۱. مستندات وثاقت سهل بن زیاد

آیه‌الله ری شهری در درس خویش، علاوه بر آن که به اشکالات و نقاط ضعفی که در مورد سهل بن زیاد مطرح شده، پاسخ داده و از منزلت این روای دفاع نموده‌اند، خود نیز به بیان راه‌کارها و ارائه قرائنی می‌پردازند که در پرتو آن وثاقت ایشان به اثبات می‌رسد. در ادامه به مستندات ایشان می‌پردازیم:

۱. الذریعه الى تصانیف الشیعه، ج ۱۰، ص ۸۹.

۲. الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۳.

۳. ریاض المسائل، ج ۱۲، ص ۴۵۸.

۴. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۷۱.

۵. کتاب الطهارة، ج ۱، صص: ۷۱ و ۲۵۹.

۶. مهذب الأحكام، ج ۲۶، ص ۹۷؛ ج ۲۹، ص ۲۸۶.

### ۱-۱-۳. توثیق شیخ طوسی در الرجال

شیخ طوسی در کتاب الرجال خویش به توثیق سهل بن زیاد پرداخته است. وی سهل را از یاران امام هادی علیه السلام نام برده و چنین گزارش می دهد:

سهل بن زیاد آدمی، یکنی ابا سعید، ثقة، رازی.<sup>۱</sup>

### ۲-۱-۳. اعتماد اصحاب بر روایات سهل بن زیاد

جمعی از علما معتقدند که اگر راویان ثقة، به ویژه افرادی مانند اصحاب اجماع یا مشایخ ثلاثه یا شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی یا شیخ مفید از یک راوی زیاد روایت نقل کنند، معلوم می شود که به او اعتماد داشته و او را عادل می دانسته اند. آیه الله ری شهری نیز از فقیهانی است که بردیدگاه فوق باور داشته و با بهره گیری از این روش سعی در تثبیت وثاقت سهل بن زیاد دارد. ایشان می نگارد:

از دیگر قرائنی که اعتماد به سهل و روایات وی را به دنبال دارد، مواجهه اصحاب با روایات اوست که نشان از اعتماد آن ها دارد. مخصوصاً شیخ المحدثین کلینی که در کتاب شریف الکافی روایات فراوانی را با واسطه و بدون واسطه از سهل نقل می نماید.

آیه الله ری شهری در برای تحکیم این نگاه می افزاید:

طبق شمارشی که انجام شده حدود ۲۳۰۰ روایت در کتب اربعه از او نقل شده است. اگر وی شخص کذاب یا غالی باشد، نمی شود این بزرگان و اجلا از او این همه روایت نقل کنند.<sup>۲</sup>

در پایان نیز با استناد به کلام امام خمینی بردیدگاه بیان شده تأکید می ورزند:

هرچند سهل بن زیاد تضعیف شده است، ولی برای کسی که در روایات او تتبع کند، از کثرت روایات و متقن بودن مضمون آن ها و نیز از اعتنای مشایخ به وی، نسبت به وثاقت او اطمینانی حاصل می شود، بالاتر از اطمینانی که توثیق اصحاب رجال ایجاد می کند.<sup>۳</sup>

### ۳-۱-۳. کثرت روایات سهل بن زیاد در منابع روایی

از نگاهی برخی متخصصان علم رجال، کثرت روایت راوی از علائم وثاقت به حساب

۱. رجال الطوسی، ص ۳۸۷.

۲. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۴۰.

۳. کتاب الطهارة (امام خمینی)، ج ۱، ص ۲۵۹.

می آید. مامقانی در مقباس الهدایة می نویسد:

اگر راوی روایات زیادی از ائمه علیهم السلام در امور دینی و در اصول و فروع آن نقل کند، معلوم می شود که نسبت به امور دین اهتمام و جدیت داشته و کاشف از وجود فضیلت در درون جان اوست و سبب مدح و تحسین او می گردد.<sup>۱</sup>

شهید اول نیز به روایت چنین فردی با این شرط که نسبت به او مذمت و طعنی نرسیده باشد، عمل می کند.<sup>۲</sup>

مجلسی اول درباره علی بن حسین سعد آبادی می نویسد:

جماعتی از علما، حدیث او را به سبب کثرت روایتش حسن شمرده اند.<sup>۳</sup>

وی درباره ابراهیم الکرخی نیز می نویسد:

مجهول بودن او ضرری به روایت نمی زند؛ زیرا او کثیرالروایه است.<sup>۴</sup>

با همین رویکرد آیه الله ری شهری معتقد است که کثیرالروایه بودن سهل به زیاد و نیز نوع روایات او که مورد اعتماد اصحاب بوده و منشأ بسیاری از احکام صادر شده است، همگی از قرآنی است که بروثاقت این راوی دلالت دارد.<sup>۵</sup>

### ۳-۴. وقوع سهل بن زیاد در اسناد روایات کتاب تفسیر القمی

علی بن ابراهیم قمی از مفسران بزرگ شیعی و راویان عالی مقام امامیه و از اساتید مرحوم کلینی است. نجاشی در شرح حال او می نویسد:

ابوالحسن قمی در امر حدیث، انسانی ثقه، ثبت و مورد اعتماد است. مذهب او سالم و دور از هرگونه انحراف است.<sup>۶</sup>

در مقدمه تفسیری که به نام تفسیر القمی منتشر شده است، مطلبی آمده که براساس آن بعضی از علما معتقدند که تمام راویان واقع در اسناد روایات این کتاب ثقه هستند و برخی از علما نیز قائل به وثاقت اساتید بدون واسطه علی بن ابراهیم در تفسیر هستند. عبارت

۱. مقباس الهدایة، ج ۲، ص ۱۰.

۲. رک: مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، ج ۱۶، ص ۵۹۹.

۳. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۴، ص ۴۳.

۴. همان، ج ۷، ص ۱۱۹.

۵. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۴۰.

۶. رجال النجاشی، ص ۲۶۰.

مقدمه بدین شرح است:

در این کتاب، ما بیان می‌کنیم و خبر می‌دهیم از روایات و احادیثی که به ما رسیده و آن‌ها را مشایخ و ثقات ما از کسانی که خداوند اطاعت و ولایتشان را بر ما واجب کرده، روایت کرده‌اند و هیچ عملی بدون ولایتشان قبول نمی‌شود. آنان کسانی هستند که خداوند در قرآن ایشان را توصیف کرده و پرسیدن و آموختن علم را از آنان واجب کرده، آنجا که فرمود: اگر نمی‌دانید، پس از اهل ذکر پرسید و علم و دانش آنان از رسول خدا ﷺ است.<sup>۱</sup>

شیخ حر عاملی در مواجهه با این عبارت می‌نگارد:

وقد شهد علی بن ابراهیم بثبوت أحادیث تفسیره، وأنها مرویة عن الثقات عن الأئمة؛<sup>۲</sup> همانا علی بن ابراهیم به ثبوت احادیثی که در تفسیرش نقل کرده و این که آن‌ها به وسیله راویان ثقه از ائمه نقل شده، شهادت داده است. آیه الله ری شهری نیز برای اعتبار بخشی به سهل بن زیاد از همین مقدمه بهره برده و با توجه به وقوع سهل در اسناد تفسیر القمی<sup>۳</sup> بروثاقت وی پای می‌فشارد.<sup>۴</sup>

### ۳-۱-۵. وقوع سهل بن زیاد در اسناد روایات کامل الزیارات

یکی از توثیقات عام، توثیق راویان واقع در اسناد کتاب کامل الزیارات، تألیف جعفر بن محمد بن قولویه است. وی از اعلام اصحاب امامیه به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که مرحوم نجاشی در شرح حالش می‌نویسد:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه از ثقات اصحاب ما و اساتید جلیل القدر شیعه در حدیث و فقه است ... به هر خوبی از کارهای نیک و وثاقت و فقاہت و دانایی که مردم را به آن توصیف کنی این دانشمند بیشتر از آن را دارد. برای او کتاب‌های خوبی است ...<sup>۵</sup>

سخنی از ابن قولویه در مقدمه این کتاب سبب شده که برخی به وثاقت راویان واقع در اسناد احادیث این کتاب حکم کنند. ابن قولویه در پاسخ به درخواست بعضی از مؤمنان که

۱. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴.

۲. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۰۲.

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۵۹ و ص ۳۵۱.

۴. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۴۰.

۵. رجال النجاشی، ص ۱۲۳.

از او نوشتن کتابی در باب زیارات را خواسته بودند، می نویسد:

تقاضای مکرر تو و علم به این که با چنین تألیفی میتوان به خدا و رسول و علی و فاطمه و ائمه معصومین علیهم السلام تقرب جست، مرا به نوشتن این کتاب وادار کرد. برای تألیف آن به فکر فرو رفتم و تمام همت و تلاشم را بر آن گذاشتم و از خداوند تبارک و تعالی در نوشتنش کمک خواستم تا این که از میان روایات معصومین علیهم السلام این احادیث را استخراج کردم. در نوشتن این کتاب از گفته های دیگران استفاده نکردم؛ زیرا دیدم احادیثی که در این موضوع از معصومین علیهم السلام رسیده، ما را از سخنان دیگران بی نیاز می کند. از طرفی دیدم روایات معصومین علیهم السلام در این موضوع و غیر آن بسیار است و نمی توانم به همه آن ها دسترسی پیدا کنم. از این رو، در این کتاب فقط روایاتی را که از افراد موثق از اصحاب - خداوند آنان را مشمول رحمت خود کند - به ما رسیده، ذکر کردم. در این کتاب از راویان گمنام، یعنی کسانی که به نقل روایت معروف و به ذکر حدیث و علم مشهور نیستند، روایت نقل نکرده ام؛ هر چند حدیثشان از معصومین علیهم السلام باشد. این کتاب را *کامل الزیارات* نامیدم.<sup>۱</sup>

این مقدمه باعث شده است که برخی همچون شیخ حر عاملی و آیه الله ری شهری به وثاقت راویان واقع در اسناد احادیث این کتاب حکم کنند. با توجه مطالب بیان شده، آیه الله ری شهری قرینه دیگر بر وثاقت سهل بن زیاد را وقوع او در اسناد روایات این کتاب<sup>۲</sup> می داند.<sup>۳</sup>

### ۳-۱-۶. سلامت روایات سهل و تمسک به آن ها در گستره فقه

از نکاتی که در کلمات بسیاری از قائلین به وثاقت سهل بن زیاد تکرار شده است، سلامت روایات سهل و ارزشمندی آن در گستره فقه است.<sup>۴</sup> جناب وحید بهبهانی در این باره می نویسد:

... وی بسیار روایت دارد و نیز روایات وی محکم و پذیرفتنی بوده و مورد استفاده در فتوا قرار می گیرد.<sup>۵</sup> علامه بحر العلوم نیز درباره سالم بودن روایات سهل می نویسد:

۱. کامل الزیارات، ص ۳.

۲. همان، ص ۱۸، ۳۴، ۱۵۰، ۲۴۸، ۲۷۰.

۳. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۴۰.

۴. برای نمونه رک: «جستاری در آموزه های امامتی سه تن از راویان متهم به غلو و نشانه های باورپذیری آن ها»، ص ۹۷ به بعد.

۵. تعلیقه بر منهج المقال، ص ۱۷۷.

روایات او در اصول و فروع دین بسیار و همگی از ضعف و طعن سالم هستند، به ویژه آن‌که در آن‌ها نشانه‌ای از غلو و تخیل - که سهل به آن متهم است - به چشم نمی‌خورد و این خود عادل‌ترین شاهد بر برائت سهل از مطالبی است که درباره او گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

این ویژگی نیز در کلمات آیه الله ری شهری مورد توجه قرار گرفته است و ایشان صحت روایات سهل و استواری آن را در کتب فقه را نشان از اعتماد فقیهان به وی دانسته و آن را از علائم وثاقت سهل برمی‌شمارند.<sup>۲</sup>

### نتیجه

در این نوشتار اعتبارسنجی شخصیت روایی سهل بن زیاد از منظر آیه الله ری شهری مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت. در قدم نخست، دلایلی که برای عدم وثاقت سهل بن زیاد مطرح و مورد استناد قرار گرفته بود، از منظر آیه الله ری شهری بررسی شد.

بر اساس آن، عملکرد احمد بن محمد بن عیسی - که بنیان تضعیف سهل را تشکیل می‌داد - به عنوان رفتاری اجتهادی تلقی شده و فاقد حجیت معرفی شد. غالی بودن سهل بن زیاد نیز با همین رویکرد دفع گردید. نسبت به عبارت ضعیف فی الحدیث - که در ترجمه نجاشی از سهل آمده بود - با نگرش به محتوای روایات سهل و ضعف در آن ناحیه معنا شد. نسبت به تضعیف شیخ طوسی در الفهرست نیز با توجه به توثیق ایشان در کتاب رجالی دیگرش و نیز مؤخر بودن نگارش آن، به وثاقت سهل حکم شد.

دیدگاه ابن غضائری نیز به دلیل عدم اعتبار کتاب او و نیز عدم حجیت تضعیفاتش از دایره اعتبار بیرون دانسته شد. در قسمت مستندات وثاقت سهل نیز توثیق شیخ طوسی، اعتماد قدما بر روایات سهل، کثرت نقل روایت، وقوع در اسناد روایات کتاب تفسیر القمی و کتاب کامل الزیارات و در پایان سلامت روایت‌های سهل، همگی از قرائنی بود که از منظر آیه الله ری شهری موجبات اعتماد بر سهل را فراهم آورده و وی را در دایره راویان ثقه داخل می‌کند.

### کتابنامه

الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، محمد بن حسن طوسی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.

۱. الفوائد الرجالیة، ج ۳، ص ۲۳.

۲. درس خارج فقه آیه الله ری شهری، جلسه ۴۴۰.

- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، قم، بی نا، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
- التنقیح فی شرح العروة الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، قم، اول، ۱۴۱۸ق.
- معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، سید ابوالقاسم خویی، قم، مرکز نشر الثقافة الإسلامية فی العالم، ۱۳۷۲ش.
- تنقیح مبانی الأحكام - کتاب القصاص، جواد بن علی تبریزی، قم، دارالصدیقة الشهيدة، دوم، ۱۴۲۶ق.
- تهذیب الأحكام، محمد بن حسن طوسی، دارالکتب الإسلامية، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- خاتمة المستدرک، میرزا حسین نوری، قم، مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۱۷ق.
- رجال الشيخ الطوسی - الأبواب، محمد بن حسن طوسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، سوم، ۱۴۲۷ق.
- رجال الکشی (مع تعليقات الميرداماد)، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبد العزيز کشي، قم، اول.
- رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ابو الحسن احمد بن علی نجاشی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
- الرسائل الرجالية، سید محمد باقر شفتی، تحقیق: سید مهدی رجائی، اصفهان، مسجد سید، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- الرواشح السماويه فی شرح الاحاديث الاماميه، سید محمد بن محمد میرداماد، تحقیق: غلام حسین قیصریه ها و نعمة الله جلیلی، قم، دارالحديث للطباعة والنشر، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقی مجلسی، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور، ۱۴۰۶ق.
- ریاض المسائل، سید علی طباطبائی حائری، قم، مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۱۸ق.
- سهل بن زیاد، حسن مهدوی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.
- الذریعه الى تصانیف الشیعه، آقا بزرگ طهرانی، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- الفوائد الرجالية، سید مهدی بحر العلوم، تهران، مکتبه الصادق، اول، ۱۴۰۵ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، نجف اشرف، المکتبه الرضویه، اول، ۱۴۰۸ق.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.

کامل الزیارات، ابوالقاسم جعفر بن محمد ابن قولویه، نجف اشرف، دارالمرتضویه، ۱۳۹۸ق.  
 کتاب الصلاة، مرتضی بن محمد امین انصاری، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم  
 انصاری، اول، ۱۴۱۵ق.

کتاب الطهارة، سید روح الله خمینی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.  
 لسان المیزان، ابن حجر العسقلانی، محقق: دائرة المعارف النظامية - الهند، بیروت، مؤسسة  
 الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۱م.  
 مبانی منهج الصالحین، سید تقی طباطبایی قمی، قم، منشورات قلم الشرق، اول، ۱۴۲۶ق.  
 مصباح المنهاج: کتاب الطهارة، محمد سعید طباطبایی حکیم، مؤسسة المنار، چاپ اول،  
 بی تا.

معالم العلماء، ابن شهر آشوب، نجف اشرف، منشورات المطبعة الحیدریة، اول، ۱۳۸۰ق.  
 مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط - الحدیثة)، سید جواد بن محمد عاملی، قم، دفتر  
 انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۹ق.  
 مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، لبنان - سوریه، دارالعلم - الدار  
 الشامیة، اول، ۱۴۱۲ق.  
 مهذب الأحکام، سید عبد الأعلى سبزواری، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله،  
 چهارم، ۱۴۱۳ق.

وسائل الشیعة، محمد بن حسن حرّ عاملی، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، اول، ۱۴۰۹ق.  
 «جستاری در آموزه های امامتی سه تن از راویان متهم به غلو و نشانه های باورپذیری آن ها»،  
 سید علی رضا حسینی، امامت پژوهی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۲۰، ص ۸۵ - ۱۳۲.  
 «نگاهی تحلیلی به رفتار احمد بن عیسی در تبعید برخی از راویان»، محسن کرمی، دانش ها  
 و آموزه های قرآن و حدیث، سال اول، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱.